



Scientific Journal Quarterly of Middle East Studies

Vol 31. No 2. Summer 2024

Received date: 2024.04.11

Acceptance date: 2024.07.03



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: 20.1001.1.15601986.1403.31.2.9.1

Pathology of The Jordanian Government's Soft Confrontation with the Jihadi Salafist Movement

Mohammad Sadegh Koushki¹, Mohammad Hossein Ghanbari Maharloo²



Abstract

Since the 1990s, Jordan has been facing the Violent Salafism and in cases such as "Bay'at al-Imam", "November 9th Explosions" and "Karak Cell" has dealt with this movement judicially. But this movement is rooted in this country and the presence of its supporters has been evident at focal points. So, the government resorted to the strategy of "Soft Confrontation" to deal with this issue. The purpose of this article is to study this program, and in this regard, a descriptive analytical method has been used for data processing. "Soft Confrontation" includes a group of different intellectual, psychological, educational, media and artistic encounters, which have the three main goals of "Preventing Radicalization", "De-Radicalization and Facilitating the Return to the Society" and "Confronting the Narrative of Violent Salafism". This program in Jordan is based on the presentation of an "Official Religion" and tries to create an alternative narrative to the narrative of the Violent Salafi movement by changing educational, media and artistic contents. The processes of rehabilitating Violent Salafi prisoners and facilitating their return to society is another aspect of this program. The results of soft confrontation need more time to appear, and it is not possible to write definitively about its achievements; However, mistrust of the government and its dependent clerics, harsh treatment and violation of prisoners' rights, lack of attention to the importance of cinema, the dominance of security apparatuses and the insufficient role of non-governmental associations are the most important obstacles to the success of this program in Jordan.

Keywords: Jordan, Soft Confrontation, Salafi, Salafism, Violent Salafism.

1 - Assistant Professor of Regional Studies, University of Tehran, Tehran, Iran.

2 - PhD Student in Regional Studies, University of Tehran, Tehran, Iran.



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه

سال ۳۱، شماره ۲، پیاپی (۱۱۶)، تابستان ۱۴۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۳

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: ۲۰.۱۰۰۱.۱.۱۵۶۰۱۹۸۶.۱۴۰۳.۳۱.۲.۹.۱

نوع مقاله: پژوهشی

آسیب‌شناسی رویارویی نرم حکومت اردن با جریان سلفی خشن (۲۰۰۵ تا ۲۰۲۰)

محمدصادق کوشکی^۱، محمدحسین قنبری مهارلو^۲



چکیده

اردن از سال‌های آغازین دهه ۱۹۹۰ با پدیده سلفی‌گری خشن روبه‌رو بوده و در پرونده‌هایی چون «بیعه الامام»، «انفجارهای نوامبر ۲۰۰۵» و «هسته کرک» با این جریان برخورد امنیتی و قضایی داشته است؛ ولی این جریان هنوز در این کشور ریشه دارد و حضور هواداران و پیوستگانش در بزنگاه‌ها آشکار می‌شود. پس حکومت ناگزیر شده برای برخورد ریشه‌ای با این جریان به راهبرد «رویارویی نرم» متوسل شود. هدف این مقاله مطالعه این برنامه است و در این راستا، روش «اسنادی» و «کتابخانه‌ای» برای گردآوری داده‌ها و روش «توصیفی-تحلیلی» برای پردازش داده‌ها به کار رفته است. «رویارویی نرم» دسته‌ای از برخوردهای گوناگون اندیشه‌ای، روانی، آموزشی، رسانه‌ای و هنری را شامل می‌شود که سه هدف کلان «جلوگیری از افراطی شدن»، «افراط‌زدایی و آسان‌سازی بازگشت به جامعه» و «رویارویی با روایت سلفی‌گری خشن» را دنبال می‌کنند. این برنامه در اردن مبتنی بر ارائه یک «دین رسمی» است و می‌کوشد با دگرش در محتواهای آموزشی، رسانه‌ای و هنری، «روایتی» جایگزین در برابر روایت جریان سلفی خشن خلق کند. فرایندهای بازپروری زندانیان جریان سلفی خشن و آسان‌سازی بازگشت آنان به جامعه جنبه دیگری از این برنامه را شکل می‌دهد. نتایج رویارویی نرم به زمان بیشتری برای نمایان شدن نیاز دارد و سخن قطعی درباره دستاوردهای آن ممکن نیست؛ ولی بی‌اعتمادی به حکومت و علمای وابسته، برخوردهای خشن و پایمال کردن حقوق زندانیان، کم توجهی به اهمیت سینما، سیطره دستگاه‌های امنیتی و نقش ناکافی انجمن‌های غیر حکومتی از مهم‌ترین موانع کامیابی این برنامه در اردن به شمار می‌روند.

واژگان کلیدی: اردن، رویارویی نرم، سلفی، سلفی‌گری، سلفی خشن.

مقدمه

جریان سلفی خشن از سال‌های آغازین دهه ۱۹۹۰ به مسئله اولویت‌دار امنیتی بسیاری از کشورهای جهان، به‌ویژه کشورهای منطقه غرب آسیا، تبدیل شد. به موازات گسترش هواداران و نیروها، پیشرفت ابزارهای عملیاتی و رسانه‌ای و افزایش دامنه کنشگری جریان سلفی خشن، برخوردهای امنیتی و قضایی حکومت‌های گوناگون با این جریان نیز تحول یافت. ولی حکومت‌ها با این شیوه از برخورد در ریشه‌کنی این جریان و حذف زمینه‌های رشد این تفکر ناکام بودند؛ به همین علت راهبرد تازه‌ای برای مواجهه با جریان سلفی خشن با نام «رویارویی نرم» مطرح شد. رویارویی نرم به دسته‌ای از شیوه‌های مواجهه گفته می‌شود که به جای برخورد با افراد و هسته‌های افراطی، می‌کوشند با بهره‌گیری از ابزارهای دینی، فکری، روان‌شناسی، آموزشی و هنری ریشه اندیشه افراطی سلفی خشن را بخشکانند و به روایتی نو از سبک زندگی مبتنی بر مذهب برسند. این شیوه‌ها بر خلاف روش‌های امنیتی و قضایی برای بازه‌های طولانی طراحی می‌شوند و دستاوردهای آنها تنها در بلند مدت مشاهده‌پذیر است.

کشور اردن نیز از سال‌های آغازین دهه ۱۹۹۰ هم‌زمان با بازگشت «عرب‌افغان‌ها» با مسئله جریان سلفی خشن رویارو بود. برخوردهای امنیتی و قضایی عمّان با این جریان از پرونده «بیعة الامام» در سال ۱۹۹۲ آغاز شد و تا امروز (سال ۲۰۲۴) ادامه دارد؛ ولی در بزنگاه‌های گوناگون، مانند ظهور داعش، آشکار شده که هواداران و اعضای این جریان در اردن حضور جدی دارند و ناکامی برخوردهای سخت در ریشه‌کنی بنیان‌های این جریان بیش از پیش نمود می‌یابد. به همین علت حکومت اردن دست‌کم از دو دهه پیش راهبرد رویارویی نرم با جریان سلفی خشن را در دستور کار قرارداد؛ هدف مقاله حاضر مطالعه این برنامه‌ها، بررسی پیامدها و آسیب‌شناسی آن است.

پیشینه پژوهش

حوزه رویارویی نرم با سلفی‌گری خشن حوزه‌ای تقریباً نوپا است و در نتیجه، پژوهش‌هایی که به شکل ویژه به اردن پرداخته‌اند نیز کم شمار هستند. در پژوهش «اداره زنان اردن سازمان ملل» با نام «زنان و تندروی خشن در اردن» شرط موفقیت برنامه‌های رویارویی با افراطی‌گری علنی بودن و احترام به هنجارهای اجتماعی و مذهبی دانسته شد. پژوهشگران همچنین همراهی انجمن‌های مدنی غیر دولتی و دولت را برای کسب اعتماد مردم ضروری دانستند. همچنین برای زنان در جایگاه مادر و همسر نیز نقش پررنگی در جلوگیری از افراطی‌گری در نظر گرفته شد (UN Women Jordan, 2016). این پژوهش نیز تنها به بخشی از شرایط لازم رویارویی نرم و شماری از بازیگران شایسته این رویارویی

توجه کرد و بر خلاف مقاله کنونی، نگاهی فراگیر به مسئله رویارویی نرم با سلفی‌گری خشن در اردن ندارد.

«حسین هزاع المجالی و محمد أبورمان» در پژوهش «درس‌هایی از رخداد؛ درباره مبارزه با افراط و تندروی» کنشگران عرصه رویارویی با افراطی‌گری در اردن را دعوت کردند میان دینداری، تندروی، افراطی‌گری و تروریسم تمایز قائل شوند؛ تروریسم، افراطی‌گری خشن است و نباید به هر گونه‌ای از دینداری و یا حتی تندروی برچسب تروریسم زد. همچنین باید در برنامه آموزشی مدرسه و دانشگاه «گفتگو، همزیستی و پذیرش تکرر» گنجانده و در مدرسه‌ها «تفکر انتقادی» آموزش داده شود (هزاع المجالی و أبورمان، ۲۰۱۶). پس توجه اصلی این دو پژوهشگر بر سطوح مفهومی مسئله رویارویی نرم و همچنین نقش آموزش و تفکر انتقادی معطوف بود و دیگر جنبه‌های نقشه فراگیر رویارویی نرم بررسی نشدند.

«فارس البریزات و همکارانش» در پژوهش «بررسی تندروی جوانان در اردن» کوشیدند فرایند گرایش به گروه‌های سلفی خشن را بررسی کنند. رابطه مستقیم «بی‌اعتمادی به حکومت» و «گرایش به جریان سلفی خشن»، نقش ناچیز فقر در گرایش به افراطی‌گری و نقش چشم‌گیر دانش اندک دینی در آسیب‌پذیری جوانان از مهم‌ترین نتایج این پژوهش بود (Braizat et al, 2017). این پژوهش تنها به فرایند جذب گروه‌های سلفی خشن توجه و پس از یافتن عناصر جذب، برای رویارویی با آنها راهکارهایی را تجویز کرد؛ ولی همان‌گونه که در بخش مفهوم‌شناسی توضیح داده شد، رویارویی نرم بخش‌های گوناگونی دارد و تنها با بررسی عوامل جذب تبیین‌پذیر نیست.

«نون بندکجی و اریکا هارپر» در پژوهشی با نام «نقشه سفر شماری از جنگجویان اردنی» پس از بررسی داستان پیوستن چند تن از اردنی‌ها به گروه‌های سلفی خشن در سوریه و سپس جدایی آنها، به موانع بازگشت این افراد به جامعه پرداختند؛ دشواری‌های گوناگون در برقراری دوباره پیوندهای اجتماعی، اعمال سخت‌گیری در سفرها و ناممکن شدن استخدام در دولت از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی بازگشتگان بود (Bondokji & Harper, 2017). تمرکز این پژوهش بر فرایند بازیابی نیروهای پیشین جریان سلفی خشن در جامعه بود و شماری از عناصر که در کامیابی یا ناکامی این فرایند نقش دارند نیز بررسی شدند؛ پس این مقاله نگاهی جامع به راهبرد رویارویی نرم در اردن ندارد و تنها به یک نقطه از این نمودار گسترده توجه کرده است.

«نون بندکجی و همکارانش» در پژوهش «در دام گزینه‌های ویرانگر؛ پیشران‌های مؤثر در افراطی‌گری جوانان اردن» کنشگران را فراخواندند تا تعریفی تازه از تندروی، افراطی‌گری و افراطی‌گری خشن بیان کنند و میان این سه مفهوم تمایز قائل شوند؛ در این تعریف تازه، رویکرد امنیتی باید با رویکرد فرهنگی آمیخته شود (Bondokji et al, 2017). نگاه این پژوهشگران نیز معطوف به سطوح مفهومی مسئله و بایستگی تبیین دقیق واژگان حساسی چون تندروی و افراطی‌گری بود؛ پس این پژوهش هم از نگاهی فراگیر به راهبرد رویارویی نرم در اردن بی‌بهره ماند.

«مرکز مطالعات حقوق بشر عمان» در پژوهش «تأثیرات منفی تروریسم بر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی؛ مطالعه موردی اردن» به بایستگی هماهنگی «برنامه‌های رویارویی با تروریسم» با «اصول حقوق بشر» اشاره و به دستگاه‌های انتظامی و امنیتی توصیه کرد درباره تأثیر منفی رفتار ناپسند با زندانیان بر فرایندهای بازپروری هوشیار باشند (Amman Center for Human Rights Studies, 2019). این پژوهش نیز با نگاهی محدود تنها از دید حقوق بشری به مسئله رویارویی نرم نگریسته و جنبه‌های گسترده‌تر آن را بررسی نکرده است.

«ساویر بنیستر» دیگر پژوهشگری است که در پژوهش «یک رویکرد امنیتی انسان‌محور برای پیشگیری موفقیت‌آمیز از افراطی‌گری در یک جامعه پدرسالار؛ مطالعه موردی اردن» به مسئله افراطی‌گری و سلفی‌گری خشن در اردن و رویارویی نرم با آن پرداخته است (Bannister, 2022). همان‌گونه که از نام پژوهش برمی‌آید، نویسنده عامل اصلی خیزش جریان سلفی خشن در اردن را جامعه پدرسالار می‌داند و پیشنهاد اصلی او برای رویارویی با این پدیده ارتقا جایگاه زنان و افزایش نقش آنها در جامعه است. مسئله نقش زنان یکی از نکات برجسته راهبرد رویارویی نرم به شمار می‌رود و نگارنده نیز از اهمیت آن آگاه است؛ ولی محوریت دادن به این عنصر و به حاشیه راندن عناصر مهم دیگری که در ادامه مقاله به آنها پرداخته می‌شود، باعث شده که این پژوهش نیز از نگاهی فراگیر به رویارویی نرم اردن با سلفی‌گری خشن بی‌بهره باشد.

همان‌گونه که در بندهای گذشته با بررسی پژوهش‌های پیشین درباره رویارویی اردن با سلفی‌گری خشن روشن شد، این پژوهش‌ها همگی متمرکز بر بخشی از فرایند بوده و این برنامه را در قالب یک کل منسجم بررسی نکرده‌اند. مقاله حاضر تلاشی برای جبران این کاستی است و می‌کوشد با نگاهی فراگیر، نقشه جامعی از رویارویی نرم اردن با سلفی‌گری خشن و آسیب‌شناسی این راهبرد ارائه کند.

چارچوب مفهومی؛ رویارویی نرم با سلفی‌گری خشن

سلفی‌گری خشن

جریان سلفی خشن که خود را «سلفی جهادی» می‌خواند و از فرزندان فکری جریان سلفی به شمار می‌رود، پس از ورود ارتش شوروی به افغانستان و سپس دخالت نظامی آمریکا در منطقه در سال‌های آغازین دهه ۱۹۹۰ پدید آمد. این جریان با شعارهای «توحید و حاکمیت الهی»، «کفر به طاغوت»، «ولاء و براء» و «فريضة جهاد» شناخته می‌شود. توحید، به معنی یگانه دانستن خدا و پیروی محض از او، سنگ‌بنای اندیشه سلفی خشن است. در این اندیشه سپس «حاکمیت الهی» در برابر «جاهلیت نوین» مطرح می‌شود؛ سیدقطب، که اندیشه‌هایش بر نظریه‌پردازان جریان سلفی‌گری خشن تأثیر چشمگیری داشته است، بنیان جاهلیت نوین را دشمنی با حاکمیت خدا در زمین می‌داند. برپایی «خلافت یا نظام سیاسی اسلامی» تبلور عینی مفهوم حاکمیت الهی است. حاکمیت الهی همچنین «کفر به طاغوت» را نیز همراه دارد که مشروعیت را از هرگونه حکومت غیر الهی می‌گیرد. بنابراین، هرگونه نظام سیاسی غیر اسلامی، مانند نظام‌های دموکراتیک، کفرآمیز تلقی می‌شود. «ولاء و براء» دیگر بنیان اندیشه‌ای این جریان است که مسلمانان را به دوستی به خاطر خدا با باورمندان به توحید و دشمنی به خاطر خدا با پیروان طاغوت فرا می‌خواند (أبورمان و أبوهنيئ، ۲۰۱۲: ۳۳۹-۳۲۸).

به علت اهمیت تکفیر نظام‌های غیر الهی در اندیشه سلفی خشن، شماری از پژوهشگران اصل «تکفیر» را نیز به بنیان‌های اندیشه‌ای این جریان می‌افزایند (Maher, 2016: 14). جریان سلفی خشن با تعریف «دارالاسلام و دارالکفر» جهان را به دو قلمرو خدا و طاغوت تقسیم می‌کند. ابومحمد المقدسی (نظریه‌پرداز فلسطینی-اردنی برجسته جریان سلفی خشن) باور دارد هر جا قوانین کفر حاکم باشد، آنجا دارالکفر است. ولی ابوقتاده الفلسطینی (دیگر نظریه‌پرداز فلسطینی-اردنی برجسته جریان سلفی خشن) می‌گوید: «سرزمین‌های اسلامی امروز در میان دارالکفر و دارالاسلام هستند؛ مسلمان مسلمان است و کافر کافر. اصل و ریشه اهل سرزمین‌های اسلامی مسلمان است؛ ولی این دارالاسلام با حاکم شدن دشمن کافر خارجی یا داخلی دگرگون می‌شود و بر همه واجب است بر او بشورند». بنابراین با وجود اختلاف درباره گستره دارالکفر، آشکار است که هدف جریان سلفی خشن تبدیل دارالکفر به دارالاسلام است. این جریان تنها راه برقراری حکومت اسلامی را «جهاد زیر پرچم توحید» می‌داند؛ جهاد ابزار قهرآمیز دگرگونی است (أبورمان و أبوهنيئ، ۲۰۱۲: ۳۴۴-۳۳۹). المقدسی این مطلب را اینچنین خلاصه

می‌کند: «جریان سلفی جهادی توحید و جهاد را گرد هم می‌آورد؛ به عبارت دیگر، این جریان برای تحقق بخشیدن به توحید، با طاغوت‌ها جهاد می‌کند» (حجازی، ۲۰۱۳: ۳۷).

یکی از بحث‌های همیشگی سلفی‌ها درباره چپستی «طائفه منصوره» یا «دسته پیروز و رستگار» بوده است. هر کدام از جریان‌های سلفی با استناد به حدیث «لاتزال طائفة من أمتی علی الدین ظاهری، لعدوهم قاهری، لا یضرهم من خالفهم إلا ما أصابهم من لأواء، حتی یأتیهم أمر الله» که به پیامبر نسبت می‌دهد، خود را «دسته پیروز» می‌داند؛ جریان سلفی خشن «جهاد» را ویژگی تمایزبخش این «دسته رستگار» تلقی می‌کند (مرکز الجزیره للدراسات، ۲۰۱۰).

رویارویی نرم

موضوع «رویارویی نرم» با سلفی‌گری خشن موضوعی نویناد در سطح جهانی است و به همین علت، هنوز ادبیات عمیقی در این حوزه آفریده نشده است. از سوی دیگر، چون رویارویی با سلفی‌گری خشن در کشورهای درگیر بیشتر بر عهده دستگاه‌های امنیتی بوده، منابع دست اول چندانی نیز در دسترس نیست. افزون بر این، چون هنوز داده‌های میدانی مناسب به شکل آزاد در دسترس پژوهشگران نیست، بیشتر پژوهش‌های موجود به گونه‌ای کلی نوشته شده‌اند و معمولاً راهکارها و پیشنهادها ی‌کسانی را برای زمینه‌های متفاوت مطرح کرده‌اند. کاستی دیگر این پژوهش‌ها که باز هم از کمبود داده‌های عملیاتی ریشه می‌گیرد، «اجتماع‌محور» نبودن آنها است؛ یعنی این پژوهش‌ها با بهره‌گیری از تجربه کشورهای خاص و یا بر پایه یافته‌های نظری در پی آن هستند که برای کشورهای دیگر، به‌ویژه کشورهای غرب آسیا، نسخه بپیچند.

مفهوم رویارویی نرم با سلفی‌گری خشن را می‌توان در چهار گام «سطوح مفهومی مسئله و روند افراطی شدن»، «فرایندهای افراط‌زدایی»، «زندان و بازپروری» و «روایت‌سازی جایگزین» بررسی کرد؛ شایسته یادآوری است که هر کدام از مفاهیم باید در اجتماع خاص مورد مطالعه بررسی و واکاوی شوند.

الف) سطوح مفهومی مسئله و روند افراطی شدن: «تندرو شدن»^۱، «افراطی‌گری»^۲ و «تروریسم»^۳ سه واژه پرکاربرد در پژوهش‌های مربوط به رویارویی با سلفی‌گری خشن است؛ تندروی برابر نهاد «پافشاری بی‌اندازه بر یک اندیشه و عقیده و موضع‌گیری سفت و سخت در برابر ناباوران به آن عقیده» دانسته

1 - Radicalization

2 - Extremism

3 - Terrorism

می‌شود؛ همچنین افراطی‌گری را برابر نهاد «کنش بر پایه تندروی» در نظر می‌گیرند. پس هر فرد افراطی لزوماً تندرو است؛ اما هر فرد تندرو لزوماً افراطی نیست. حال اگر فردی افراطی برای رسیدن به خواسته‌های سیاسی و اجتماعی، دست به کنش‌هایی بزند که در جامعه هراس بیفکند و به مخالفان اندیشه‌اش آسیب برساند، شایسته صفت «تروریست» است و کنش او «تروریسم» نام دارد. همچنین باید به دو واژه دیگر توجه کرد؛ «رویارویی با افراطی‌گری»^۱، چه نرم و چه سخت، کنشی پسا رخداد و «پیشگیری از افراطی‌گری»^۲ کنشی پیشا رخداد است.

نیازها، روایت‌ها و شبکه‌ها سه عامل مهم در افراطی شدن به شمار می‌روند. اگر گروه یا سازمان افراطی بتواند کرامت گم‌گشته را به فرد ارزانی کند، روایتی نو از زندگی به او ارائه دهد و شبکه‌ای توانمند برای هدایت فرد در اختیار داشته باشد، احتمال جذب فرد مستعد فزون‌تر می‌شود (Kruglanski et al, 2019: 169).

ب) **فرایندهای افراط‌زدایی:** افراط‌زدایی در سه سطح فردی، سازمانی و فرایند مهندسی شده رخ می‌دهد. افراط‌زدایی فردی آنگاه رخ می‌دهد که فرد بپندارد، بودن در آن سازمان و گروه بهره‌ای به زندگی‌اش نمی‌بخشد و یا باعث شرم او می‌شود. علت این فرایند می‌تواند دگرش برداشت فرد درباره رهبران سازمان، نارضایتی از ناهم‌خوانی بخشی از کنش‌های سازمان با آرمان‌ها و یا برخورد نامناسب با فرد باشد. علت روانی این دگرش برداشت می‌تواند دوری فرد از تفریح و خوشی روزانه و درگیر شدن با سختی‌های زندگی سازمانی باشد. افراط‌زدایی گروهی آنگاه رخ می‌دهد که گروه یا سازمان از اندیشه‌ها و مواضع خود عدول می‌کند؛ ارتباط با گروه‌های دیگر و در معرض اندیشه‌های تازه قرار گرفتن دیگر عامل مهم افراط‌زدایی گروهی است. میزان تسلط رهبران به ساختار سازمان کامیابی افراط‌زدایی را تعیین می‌کند. اما افراط‌زدایی مهندسی شده با راهبری دولت‌ها برای جدا کردن افراد افراطی از گروه‌ها و سازمان‌های افراطی انجام می‌شود؛ زندان صحنه اصلی این فرایند مدیریت شده به شمار می‌رود (Ibid: 139-141).

در هر دو فرایند افراطی شدن و افراط‌زدایی، نقش خانواده، حلقه‌های اجتماعی نزدیک و اینترنت بسیار پررنگ است (International Peace Institute, 2010). از سوی دیگر، آموزش نیز نقش مهمی در فرایند افراط‌زدایی دارد؛ آموزش در مدرسه و دانشگاه باید تفکر انتقادی را برانگیزد تا توانایی ارزیابی

دعوت‌های گوناگون را به فرد ارزانی کند. آموزش خانواده‌ها، به‌ویژه مادران و همسران که نقش مهمی در فرایند افراطی شدن و افراط‌زدایی دارند، نیز باید جدی گرفته شود (Hedayah, 2013). افزون بر این، ورزش و هنر نیز تأثیر چشم‌گیری در برنامه‌های رویارویی با افراطی‌گری داشته‌اند. با بهره‌گیری از ورزش و هنر در برنامه‌های رویارویی با افراطی‌گری، به ویژگی‌های هر اجتماع توجه خواهد شد و همچنین راه برای ورود بخش خصوصی و انجمن‌های مدنی و کاهش سیطره دولت باز می‌شود. البته باید دانست که گاهی خود این ابزارهای نرم به عاملی برای تنش تبدیل می‌شوند؛ این امر زمانی رخ می‌دهد که این عرصه‌های نرم به میدانی برای نمایش و تثبیت ناهمسانی‌های هویتی تبدیل شوند (Hedayah, 2015).

نیازها، روایت‌ها و شبکه‌ها همان‌گونه که عوامل مهمی در افراطی شدن هستند، سه عامل مهم افراط‌زدایی نیز به شمار می‌روند. اگر گروه یا سازمان افراطی نتواند نیاز فرد به کرامت را پاسخ دهد و یا به آن آسیب نیز برساند، روایت سازمان از جهان پاسخگوی پرسش‌های فرد نباشد و شبکه سازمان توانایی راهبری فرد را نداشته باشد، فرد افراطی آماده رهایی از سازمان و اندیشه افراطی است؛ در این زمان است که فرصت مناسبی برای برنامه رویارویی نرم پدید می‌آید. نیاز فرد به کرامت باید با حرفه‌آموزی در زندان برای بازگشت مناسب به جامعه پاسخ بگیرد. برای رویارویی با روایت افراطی باید روایتی نو از زندگی مبتنی بر پذیرش دیگران به فرد ارائه شود؛ برای پشتیبانی از افراد جدا شده نیز همزمان باید شبکه افراطی در زندان‌ها ریشه‌کن و شبکه‌های تازه اجتماعی برای دربرگیری فرد رهایی یافته برپا شود (Kruglanski et al, 2019: 169).

پ) زندان و بازپروری: زندان مهم‌ترین مرحله‌ای است که نیروهای سلفی خشن در معرض مستقیم برنامه‌های مبتنی بر راهبرد رویارویی نرم قرار می‌گیرند؛ ولی باید دانست جدا نگه داشتن زندانیان جریان سلفی خشن از دیگر زندانی‌ها آسیب‌های جسمی و روحی را در پی دارد و بازگشت زندانیان به جامعه را دشوار می‌کند (Penal Reform International, 2015). برنامه‌های رویارویی با افراطی‌گری در زندان معمولاً بر پایه آموزش مذهبی و درمان روانی است. مهم‌ترین هدف این برنامه‌ها جدا کردن زندانی از اندیشه افراطی و جایگزین کردن اندیشه‌ای دیگر است که باید همانند اندیشه افراطی خلأهای زندانی را پر کند. هدف مهم از زندانی کردن سلفی‌های خشن، آسان کردن راه بازگشت آنها به جامعه است؛ پس آنها باید در همان زندان با زندانیان عادی ارتباط داشته باشند که هم‌زمان خطر تأثیر اندیشه‌های افراطی بر زندانیان عادی را نیز پدید می‌آورد (Speckhard & Shajkovci, 2018: 2). از سوی دیگر،

برنامه‌های رویارویی با افراطی‌گری و اصول حقوق بشر نباید با هم در تضاد قرار گیرند؛ یعنی دستگاه‌های انتظامی و امنیتی باید هوشیار باشند که شیوه‌های برخورد با زندانیان بر فرایند بازپروری تأثیر نامطلوب نگذارد (Amman Center for Human Rights Studies, 2019).

زندان همان‌گونه که محیط مناسبی برای اجرای سیاست‌های افراط‌زدایی است، می‌تواند به علت‌های زیر زمینه افراطی شدن را فراهم کند: ۱- ذات زندان با کرامت انسان مغایرت دارد و رفتار زندان‌بانان می‌تواند مزید بر علت باشد. ۲- ناآگاهی زندانیان جوان آنها را در معرض اندیشه‌های افراطی قرار می‌دهد. ۳- حضور زندانیان افراطی باعث شکل‌گیری یک شبکه افراطی در زندان می‌شود که آماده جذب تازه‌واردها است (Kruglanski et al, 2019: 142-143).

ت) روایت‌سازی جایگزین: روایت مجموعه‌ای از گزاره‌ها است که هر فرد، گروه یا جریان با بهره‌گیری از آن، جهان‌بینی، نگاه خود به مشکلات کنونی افراد و جامعه، راهکار برون‌رفت از مشکلات و شکل جامعه و آینده جایگزین را توصیف می‌کند. روایت‌های نو که در برابر روایت‌های جریان سلفی خشن مطرح می‌شوند، باید از زبان افراد و نهادهای مورد اعتماد گفته شوند؛ دستگاه‌های دولتی و نهادهای انتظامی-نظامی-امنیتی که کمتر مورد اعتماد هستند، نباید در بیان روایت‌های تازه آشکارا دخالت کنند (Hedayah, 2014). کنشگری در عرصه روایت نیازمند آشنایی با ویژگی‌های زبانی و نمادین جامعه هدف است (Mhadeen, 2018).

رویارویی با روایت جریان‌های سلفی خشن از اسلام و جهاد در دو سطح ضروری است: برخورد با اندیشه‌های افراطی و تلاش برای ساخت پیام و روایتی نو که از سوی مخاطبان پذیرفته شود؛ شیوه نخست به آفرینش «ضد روایت» و شیوه دوم به خلق «روایت نو» منجر می‌شود (Elsayed et al, 2017). ضد روایت‌ها با تأکید بر ضعف‌های اخلاقی-مذهبی روایت سلفی خشن، دو قطبی خوب و بد را پررنگ‌تر می‌کنند و همین باعث می‌شود که بخشی از مخاطبان بیشتر به سوی افراطی‌گری کشیده شوند؛ اما روایت‌های جایگزین و نو این کاستی را ندارند (Sayegh et al, 2017). پس هدف راهبرد رویارویی نرم باید آفرینش روایت نو باشد و ضد روایت‌ها تنها در اندازه‌ای بایسته و تحت سایه روایت‌های نو به کار گرفته شوند.

ث) سنخ‌شناسی عناصر رویارویی نرم: با توجه به مطالب مطرح شده می‌توان «رویارویی نرم با سلفی‌گری خشن» را متشکل از چهار دسته از عناصر دانست؛ این عناصر به «ریشه‌های تندروی و افراطی‌گری»، «حوزه‌های کنشگری در رویارویی با افراطی‌گری»، «دشواری‌های پیش رو در راه

رویارویی با افراطی‌گری» و «پیشنهادهای اجرایی برای برنامه‌های رویارویی با افراطی‌گری» اشاره می‌کنند.

جدول ۱: عناصر راهبرد رویارویی نرم

عناصر راهبرد رویارویی نرم	
۱- نارضایتی از وضع موجود اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ۲- بی‌اعتمادی به حکومت و شیوه‌های حکمرانی ۳- فقر ۴- کاستی سواد ۵- ناکامی دولت در انجام تعهدات اجتماعی ۶- دانش اندک دینی ۷- بیماری روانی افراد ۸- بحران هویت	ریشه‌های تندروی و افراطی‌گری
۱- محافل مذهبی ۲- خانواده و حلقه‌های اجتماعی نزدیک ۳- رسانه، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی ۴- سینما ۵- دستگاه‌های آموزشی ۶- اجتماع‌های محلی ۷- ورزش و هنر ۸- انجمن‌های مدنی ۹- زندان	حوزه‌های کنشگری در رویارویی با افراطی‌گری
۱- بی‌اعتمادی اعضای اجتماع به مجریان برنامه ۲- زمان‌بر بودن اثرگذاری برنامه‌های نرم از یک سو و اجرای کوتاه مدت این برنامه‌ها از سوی دیگر ۳- بی‌توجهی به بایستگی تمایز قائل شدن میان دینداری، تندروی، افراطی‌گری و تروریسم ۴- پنهان کردن جزئیات برنامه‌ها و روند اجرای آن برای اقشار جامعه ۵- بازیابی بازگشتگان جریان سلفی خشن و آسان کردن اشتغال و رفت و آمدهای آنها	موانع رویارویی با افراطی‌گری
۱- افزایش نقش زنان، به‌ویژه مادران، همسران و مبلغان مذهبی ۲- حضور دانشمندان اسلامی در مراحل طراحی برنامه‌ها ۳- گفتگوی میان‌دینی و نمایش اثرپذیری ادیان از یک‌دیگر در گذر تاریخ ۴- چهره‌سازی از جوانان کامیاب ۵- توجه به نوجوانان در این برنامه‌ها ۶- ساخت روایت‌های نو به جای «ضد روایت‌ها» ۷- بیان روایت‌های نو از زبان بازگشتگان جریان سلفی خشن ۸- گسترش رویکردهای حامی حقوق زندانیان در این برنامه‌ها	پیشنهادهای اجرایی

(نگارندگان)

نگاهی به جریان سلفی خشن اردن

ریشه جریان سلفی خشن در اردن به دهه ۱۹۹۰ باز می‌گردد که با بازگشت «عرب‌افغان‌ها» موجی از گرایش به سلفی‌گری خشن شکل گرفت (El-Said, 2012: 21). ابومحمد المقدسی پس از اخراج فلسطینی‌های ساکن کویت و ابومصعب الزرقاوی پس از پایان جنگ افغانستان به اردن بازگشتند و «جماعه التوحید» را تشکیل دادند. المقدسی و الزرقاوی این گروه را «جماعه التوحید» یا «جماعه الموحدين» می‌نامیدند؛ اما سازمان اطلاعات اردن نام «بیعه الإمام» را به آن تشکیلات داد. البته این نام ساختگی نبود، گروهی دیگر به این نام وجود داشت که چون به گروه المقدسی نزدیک بود، همه با هم دستگیر شدند و اطلاعات اردن همه را با یک نام معرفی کرد (Wagemakers, 2014: 5).

اعضای بیعه الإمام در سال ۱۹۹۹ با عفو شاهانه از زندان آزاد شدند؛ المقدسی پس از آزادی در اردن ماند اما دیگران از اردن رفتند (Wagemakers, 2014: 9-13). الزرقاوی پس از خروج از اردن، به افغانستان و سپس عراق رفت و القاعده عراق را شکل داد؛ اما المقدسی به تناوب به زندان می‌افتاد. او پس از آزادی در سال ۲۰۰۵ در یک مصاحبه الزرقاوی را به خاطر کشتار دیگر مسلمانان و تخریب چهره اسلام به باد انتقاد گرفت. حکومت اردن المقدسی را به این شرط آزاد کرده بود که با رسانه‌ها گفتگو نکند، بنابراین او تنها یک هفته پس از آزادی به زندان بازگشت (Wagemakers, 2009: 6).

بمب‌گذاری در ۳ هتل در شهر عمّان در نوامبر ۲۰۰۵ نخستین بروز جدی عملیات‌های جریان سلفی خشن در اردن بود که تأثیر منفی چشمگیری در محبوبیت این جریان بر جای گذاشت. در یک نظرسنجی در آوریل ۲۰۰۴، ۶۷ درصد اردنی‌ها القاعده را گروهی تروریستی نمی‌دانستند، اما این نرخ پشتیبانی در دسامبر ۲۰۰۵ (یک ماه پس از بمب‌گذاری‌های عمّان) به ۲۰ درصد رسید (Braizat et al, 2017: 3).

طبق برآوردهای غیر رسمی تا سال‌های پایانی دهه ۲۰۱۰، در اردن ۷۰۰۰ عضو و هوادار جریان سلفی خشن وجود داشتند. همچنین ۲۹۰ هزار اردنی از این جریان پشتیبانی می‌کردند که پس از سوزانده شدن معاذ الکساسبه (خلبان اردنی) به دست داعش، این نرخ تقریباً نصف شد (Vidino, 2018: 130). بسیاری از علمای بزرگ جریان سلفی خشن، مانند ابومحمد المقدسی و ابوقتاده الفلستینی، انتقادهای سختی را در مخالفت با داعش بیان کردند، ولی روند گرایش جوانان اردنی به داعش شتابان بود (Yom & Sammour, 2017: 3). برآوردها در سال ۲۰۱۳ نشان می‌داد که ۲۰۸۹ اردنی در جنگ سوریه حاضر بودند و بر اساس بعضی از برآوردها در سال ۲۰۱۵، اردن بیشترین سرانه جنگجوی خارجی را در

سوریه داشت (Journal of International Affairs, Jun 6, 2016).

راهبرد رویارویی نرم اردن با سلفی‌گری خشن

یکی از نگرانی‌های بزرگ حکومت اردن این است که بسیاری از جوانان به هویت اردنی پایبند نیستند و همین گسستگی ممکن است جوانان را به سوی جریان‌های افراطی بکشانند؛ سلفی‌گری خشن در دو دهه آغازین هزاره سوم یکی از مهم‌ترین تهدیدهای داخلی پادشاهی اردن هاشمی بوده است. مصاحبه‌های گوناگون با اعضای داعش نشان داده که «دستیابی به یک هویت قدرتمند» یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های آنها برای پیوستن به این گروه به شمار می‌رود. البته از سوی دیگر، اردن خوشبخت است که شکافی جدی میان سنی‌ها و دیگر اقلیت‌های مذهبی این کشور وجود ندارد، چون اقلیت‌های مذهبی نسبت بسیار کمی از جمعیت اردن را می‌سازند و بروز اجتماعی ویژه‌ای ندارند. چنین شکاف‌های مذهبی ممکن است زمینه را برای پدیدار شدن جریان‌های افراطی فراهم‌تر کند (Yom & Sammour, 2017: 1-2).

راهبرد ملی اردن برای جلوگیری از رویارویی با افراطی‌گری خشونت‌آمیز در سال ۲۰۱۴ تنظیم شد؛ حکومت همچنین انجمنی را برای مبارزه با افراطی‌گری برپا کرد که بر سه موضوع «فرهنگ و دین، دموکراسی و حقوق بشر» متمرکز بود. بر پایه این راهبرد، وزارت اوقاف و دیوان فتوا یگانه مراجع تفسیر دین شناخته شدند؛ البته سلفی‌های خشن بسیاری از علمای وابسته به این دو دستگاه را به‌عنوان عالم اسلامی به رسمیت نمی‌شناختند و همین نکته مانعی بزرگ در برابر کامیابی این طرح بود (The Washington Institute for Near East Policy, August 10, 2018). در سال ۲۰۱۵ با همکاری وزارت کشور، سازمان اطلاعات و نیروی انتظامی اردن، «مرکز صلح اجتماع^۱» ایجاد شد. این مرکز برنامه‌ای به نام «گفتگو^۲» را برای افراطی‌زدایی در اردن تنظیم کرد. جزئیات این برنامه کاملاً محرمانه گذاشته شد اما محور این برنامه گفتگو میان بازگشتگان جریان سلفی خشن و علمای برگزیده از سوی دولت بود (Abu Dalhoum et al, 2020: 13). بر اساس سندی که وزارت کشور اردن منتشر کرد، برنامه اردن برای مبارزه با تروریسم سه سطح داشت: ۱- داخلی (ناظر بر دستگاه‌های آموزشی، امامان مسجدها و بازیابی سلفی‌های خشن) ۲- منطقه‌ای (جلوگیری از ورود سلفی‌های خشن به اردن و خروج آنها از کشور و پاسداری از مرزها) ۳- بین‌المللی (همکاری با ائتلاف بین‌المللی مبارزه با تروریسم) (Ibid: 96-97).

1 - Community Peace Center

طرحی دیگر نیز از سال ۲۰۱۷ با پشتیبانی «صندوق توسعه ملک عبدالله دوم» آغاز شد که هدفش مجهز کردن جوانان ۱۸ تا ۳۵ سال از همه استان‌های اردن به تفکر انتقادی، تجربه، مهارت و توان تشخیص سره از ناسره بود (صندوق الملك عبدالله الثاني للتنمية، بی.تا). تلاش‌های نرم حکومت اردن برای جلوگیری از افراطی‌گری در سطح داخلی اکنون بیشتر در سه حوزه متمرکز است: ۱- مسجدها ۲- تبلیغ درباره «اسلام حقیقی» در اجتماع‌های محلی و اینترنت ۳- زندان‌ها. حکومت برای امامان مسجدها دوره‌های آموزشی می‌گذارد و خطبه‌های جمعه را برای آنها تنظیم می‌کند (Klingensmith, 2019: 22).

راهبرد رویارویی نرم اردن با سلفی‌گری خشن را می‌توان در ۶ حوزه «دین، زندان، رسانه، آموزش، سینما و انجمن‌های مدنی» دسته‌بندی کرد که در ادامه به گونه‌ای جزئی‌تر بررسی می‌شوند.

الف) برنامه دینی

یکی از شیوه‌های معمول حکومت اردن برای مهار جریان سلفی خشن، فشار بر محافل دینی برای ترویج اسلام معتدل بوده است (Yom & Sammour, 2017: 1). حکومت اردن در دو دهه آغازین هزاره سوم میلادی کوشید با نشان دادن اسلام به‌عنوان دینی متسامح و بیان تعریف‌هایی متفاوت از جهاد و شهادت در برابر روایت سلفی‌گری خشن، به رویارویی آنها برود (علی عواد الحراحشه، ۲۰۲۰: ۱۳۶). باور حکومت اردن این بود که فرایند افراطی شدن فرایندی مذهبی است، یعنی جوانانی که آگاهی کافی از دین ندارند، به سوی افراط کشیده می‌شوند، پس برنامه‌اش را بر آموزش دینی پی ریخت (International Peace Institute, 2010: 6). در راستای بهره‌گیری از اسلام برای این رویارویی، ملک عبدالله در نوامبر ۲۰۰۴ متنی را با عنوان «پیام عمان» نوشت، او در این متن کوشید اسلام معتدل را در برابر اسلام افراطی معرفی کند. او سپس ۳ پرسش را مطرح کرد و برای ۲۴ مرکز اسلامی معتبر فرستاد که: «مسلمان کیست؟»، «آیا کسی حق تکفیر دیگران را دارد؟» و «چه کسی می‌تواند فتوا بدهد؟». در پاسخ به این پرسش‌ها، شمار زیادی از عالمان اسلامی دیدگاه‌های خود را مطرح کردند (Leigh Cash, 2018: 22).

یکی دیگر از تلاش‌های پررنگ حکومت اردن برای رویارویی با سلفی‌گری خشن، بهره‌گیری از خود عالمان جریان سلفی بود. محمد ناصرالدین البانی که از عربستان و سوریه اخراج شده بود، در سال‌های پایانی زندگی‌اش به اردن آمد و رویاروی خشونت و کنشگری سیاسی ایستاد (Leigh Cash, 2018: 25). پس از آن نیز علمای سرشناس جریان سلفی سنتی، مانند علی الحلبي و مشهور بن حسن، شیوه

استاد خود را دنبال کردند و حتی بسیار بیش از روزگار آلبانی به حکومت نزدیک شدند. حکومت اردن چند بار نیز کوشید از سخنان ابومحمد المقدسی بهره ببرد؛ البته دشوار است بازاندیشی عالمی مانند ابومحمد المقدسی درباره مفهوم جهاد و شخصیت ابومصعب الزرقاوی را برای رویارویی با گروه‌های سلفی خشن به کار برد، چون او هنوز به ارتداد حاکمان اسلامی باور دارد. همچنین تجربه نشان داده علمایی که در چنین فرایندی به کار گرفته می‌شوند، به سرعت از چشم هواداران جریان سلفی خشن می‌افتند و سخنان اثری بر نیروهای افراطی نخواهد داشت (Wagemakers, 2008: 1-3).

حکومت اردن بسیاری از مسجدها را غیر قانونی اعلام کرد؛ یک‌سوم تا نیمی از مسجدهای اردن در این دسته جای داشتند (Abu Dalhoum et al, 2020: 43). در سال‌های میانی دهه ۲۰۱۰ نزدیک به ۶ هزار مسجد آشکار در اردن وجود داشت که دولت در تعیین امام جماعت ۷۰۰ مسجد اختیاری نداشت؛ بیشتر این مسجدهای مستقل در مناطق فقیرنشین هستند و ممکن است به پایگاه مناسبی برای جریان سلفی خشن تبدیل شوند. از سوی دیگر، شمار مسجدهای پنهان و زیرزمینی مشخص نیست و همین امر بر پیچیدگی‌ها می‌افزاید (Yom & Sammour, 2017: 3).

رویکرد دینی پادشاهی هاشمی در راهبرد رویارویی نرم با سلفی‌گری خشن را می‌شود با مفهوم «دین رسمی و حکومتی» تبیین کرد. حکومت دست‌کم از دو دهه پیش تلاشی پیوسته و نظام‌مند را آغاز کرد تا یک چارچوب دینی مبتنی بر تساهل، تسامح، دوری از سیاست و اجتناب از افراط و خشونت ارائه کند. بنیان این رویکرد بر اندیشه «صوفی اشعری» است که پیش از ورود اندیشه‌های سلفی و اسلام سیاسی به اردن، باور عمومی مردمان این سرزمین بوده است (Abu Rumman & Abu Hanieh, 2010: 49).

ب) برنامه بازپروری در زندان

بر اساس گزارش «عفو بین‌الملل» در سال ۲۰۱۲، ۱۷۰۰ نفر به علت گرایش یا وابستگی به جریان‌های سلفی خشن در اردن بازداشت شده بودند. به نظر می‌رسد این رقم در پی جنگ داخلی سوریه و ظهور داعش به شکل چشم‌گیری افزایش یافته باشد. روشن است که برنامه‌های بازپروری سلفی‌های خشن در زندان‌های اردن، محرمانه است؛ اما پژوهشگران توانسته‌اند داده‌هایی در این باره به دست آورند. برای نمونه، در سال ۲۰۰۸ حکومت اردن کوشید دوره ۲ ماهه آموزشی برای زندانیان این جریان برگزار کند، اما بیشتر زندانیان نپذیرفتند نزد استادان دانشگاهی و علمای حکومتی آموزش ببینند (El-Said, 2012: 21-23).

حکومت اردن پس از پدیدار شدن داعش کوشید میان هواداران و اعضای جبهه النصره و داعش تمایز بگذارد و با هر دسته، رفتار ویژه‌ای داشته باشد (مرکز الدراسات الإستراتيجية الجامعة الاردنية، کانون الثاني ۲۴، ۲۰۱۷). به نظر می‌رسد برنامه‌های بازپروری زندانیان جریان سلفی خشن در اردن، هنوز هم بر پایه حضور علمای مورد تأیید حکومت و آموزش نوین دینی پیش می‌رود. برنامه‌های بازپروری زندانیان با هدف القای باورهای دینی تازه، زدودن باورهای افراطی و فراهم کردن شرایط برای بازگشت نیروهای سلفی خشن به اجتماع سامان یافته‌اند، ولی برخوردهای سخت نیروهای انتظامی و امنیتی با زندانیان به مانعی در برابر کامیابی این برنامه‌ها تبدیل شده است. اندیشکده «صلح بین‌المللی» در سال ۲۰۱۰ در گزارشی نوشت زندان‌های اردن به علت برخوردهای سخت دستگاه‌های امنیتی با زندانیان، خاستگاه گروه‌های افراطی شده است (International Peace Institute, 2010: 7).

پ) رسانه

در سال ۲۰۱۵ در سراسر جهان روزانه نود تا دویست هزار پیام در فضای مجازی در هواداری از داعش نوشته شد (Kofi Annan Foundation, 2016: 5)؛ همین آمار به خوبی نشان می‌دهد که رسانه باید چه جایگاهی در راهبرد رویارویی با سلفی‌گری خشن داشته باشد. بیشتر رویارویی رسانه‌ای اردن با افراطی‌ها از جنس ضد روایت بود؛ این ضد روایت‌ها بیشتر بر جنبه‌های ضد اخلاقی، غیر دینی و خشن داعش تأکید داشتند، اما روایتی جایگزین را برای مخاطبان ارائه نمی‌کردند. یکی دیگر از اشکالات اقدامات رسانه‌ای اردن این بود که افراطی‌گری و تندروی معادل داعش دانسته می‌شد و در نتیجه، رویارویی با دیگر چهره‌های سلفی خشن دشوار می‌گردد (Sayegh et al, 2017: 12-13). در یک نمونه از این اقدامات رسانه‌ای، «مرکز بین‌المللی مطالعه افراطی‌گری خشن» به کمک اردن آمد و دو پویش فیس‌بوکی برای ساخت ضد روایت در برابر داعش به راه انداخت (Speckhard & Shajkovci, 2018: 1).

مهم‌ترین نمونه از رویارویی رسانه‌ای اردن با جریان‌های افراطی با همکاری انگلیس رقم خورد. در روزگار جولان داعش در منطقه، اتاقی با نام «یگان ارتباطات راهبردی» با حضور نمایندگان دربار، وزارت اطلاع‌رسانی، ارتش، وزارت کشور، سازمان اطلاعات و نیروی انتظامی اردن شکل گرفت و کارشناسان انگلیسی «انجمن آلبانی» که به دستگاه‌های امنیتی انگلیس وابسته است، نیز در این انجمن محرمانه امنیتی-رسانه‌ای حاضر بودند. این «اتاق خبر پنهان» محتواهای چندرسانه‌ای را با زمینه‌های «ملی‌گرایانه» و «ضد افراطی‌گری» می‌آفرید و برای پخش به رسانه‌های محلی و منطقه‌ای می‌سپرد. این

کارگروه امنیتی کنشگران اثرگذار اردنی در شبکه‌های اجتماعی گوناگون، مانند فیس‌بوک، توییتر، واتس‌آپ و گوگل پلاس را شناسایی و با طرح خود همراه کرد. در این طرح ابزارهای پیشرفته پایش رسانه‌ای نیز با دو هدف «شناسایی مخاطبان محتواها» و «پایش پیوسته همکاران رسانه‌ای طرح» برای حکومت اردن فراهم شد. بانوان مبلغ مذهبی، داعشی‌های پیشین، آسیب‌دیدگان از داعش و خانواده‌های‌شان و خانواده‌های جنگجویان داعش گزینه‌های مناسبی برای همکاری در این طرح بودند. یک افسر انگلیسی در این اتاق جنگ رسانه‌ای حاضر بود و روند آفرینش محتوا را رهبری می‌کرد. او پیشینه حضور در افغانستان، عراق و کوزوو را داشت و پنج سال تجربه کنش‌های راهبردی ارتباطی و رسانه‌ای در میدان را یدک می‌کشید. این متخصص نظامی انگلیسی در سال ۲۰۱۱ مدیر مرکز عملیات برنامه‌های راهبردی پنتاگون در بغداد بود. وی در عراق پویش‌هایی را برای ترویج تسامح سیاسی و هویت ملی راه انداخت و یک بازی رایانه‌ای نیز برای تأثیر بر مخاطبان عراقی زیر نظر او ساخته شد (The Cradle, 2023).

رویارویی رسانه‌ای اردن با جریان سلفی خشن را می‌شود در قالب آفرینش «ضد روایت» و «روایت نو» ارزیابی کرد. ضد روایت‌ها که بیشتر متمرکز بر شبکه‌های اجتماعی بوده‌اند، حمله به باورها و اندیشه‌های افراطی را هدف گرفته‌اند؛ ولی روایت‌های نو با بهره‌گیری از ادبیات «دین رسمی حکومتی» برای ترویج این دین خشونت‌گریز کوشیده‌اند. آشکار است که کفه ضد روایت‌ها در برنامه اردن سنگین‌تر بوده و حکومت هاشمی در آفرینش روایت‌های نو کامیابی کمتری داشته است.

ن برنامه آموزشی مدرسه و دانشگاه

اردن پس از رخداد ۱۱ سپتامبر به ائتلاف آمریکایی به اصطلاح «جنگ با ترور» پیوست و در ابعاد گوناگون با روند جهانی رویارویی با جریان سلفی خشن همراه شد، اصلاحات نظام آموزشی یکی از نقاط تمرکز این ائتلاف بود. نشست کشورهای عربی و جی-۸ با نام «گردهمایی برای آینده» با هدف انجام اصلاحات درونی برای رویارویی با ریشه‌های داخلی سلفی‌گری خشن در سال ۲۰۰۴ در مغرب برگزار شد. در این نشست بر بایستگی انجام اصلاحات آموزشی تأکید و اردن به میزبانی نشست سال بعد درباره همین موضوع برگزیده شد. اردن در نشست سال ۲۰۰۵ کارنامه خود در چارچوب «ابتکار آموزشی اردن» که از سال ۲۰۰۳ با کمک طرف‌های بین‌المللی راه انداخته بود را ارائه کرد. وزیر دارایی اردن چند هفته پیش از این نشست در برابر کنگره آمریکا شهادت داد که کشورش در اصلاحات آموزشی جدی است (Weinberg, 2021: 13-14).

اصلاحات آموزشی اردن با هدف رویارویی با جریان سلفی خشن پیش می‌رفت، پس باید تعریف جایگزینی از جهاد ارائه می‌شد. در این فرایند، جهاد استثنایی و محدود به شرایط خاص و نادر «دفاع از خود» تعریف (Pardo & Jacobi, 2019: 1)، ارزش جهاد از کنش‌های عبادی فردی و احترام به پدر و مادر پایین‌تر دانسته و کنش‌های تروریستی ناهم‌خوان با مفهوم جهاد معرفی شد (Weinberg, 2021: 29).

تا میانه دهه ۲۰۱۰، موضوع جهاد و کاربرد آن در روابط بین‌الملل و همچنین تکفیر و ضوابط آن در کتاب آموزش اسلامی در مدرسه‌های اردن تدریس می‌شد. ولی پس از اوج‌گیری جریان سلفی خشن در قالب داعش در منطقه غرب آسیا، موضوعاتی مانند گفتگوی میان‌دینی، رابطه دین و علم و رابطه دین و سیاست به کتاب‌های درسی افزوده و جایگزین مطالب قبلی شد. از این زمان بود که به‌تدریج مفاهیمی مانند عذاب کافران و منافقان از کتاب‌های بعضی از پایه‌ها حذف شد. البته در کتاب‌های آموزشی مدرسه‌های اردن هنوز جای مفاهیمی مانند رویارویی با افراطی‌گری، حقوق بشر و حقوق زنان خالی است و یا اینکه به خوبی به این مفاهیم پرداخته نشده است (عبیدات، ۲۰۱۷: ۴۷، ۹۹ و ۱۰۹). همچنین از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸، کتاب «فرهنگ اسلامی و مسائل مدرن» که کتاب اصلی آموزش اسلامی در دانشگاه‌های اردن بود، تغییرات زیادی را به خود دید. در این دگرگونی‌ها، نوشته‌های مربوط به جهاد حذف، جهاد به «دفاع از خود» محدود و بخش‌هایی درباره حقوق اقلیت‌ها به کتاب‌ها افزوده شد؛ اسلام میانه‌رو و متسامح به محور این آموزش‌ها تبدیل شده است. طراحان این دگرگونی همچنین بر این باور هستند که «فقدان هویت» یکی از علت‌های گرایش به سازمان‌های سلفی خشن است، پس «هویت ملی اردنی» دیگر پایه کتاب‌های آموزشی جدید دانشگاهی به شمار می‌رود (Swell, 2017: 1-2).

به طور کلی، برنامه درسی آموزشی جدید اردن مبتنی بر پیام ملک عبدالله دوم در سال ۲۰۰۴ مشهور به «پیام عمان» است؛ تقویت هویت و نهادهای ملی، ترویج احترام به پادشاهی هاشمی، آموزش شهروندی خوب و دعوت به پذیرش تکثر در جامعه از راه همزیستی با غیر مسلمان‌ها از مهم‌ترین محورهای این برنامه به شمار می‌روند. این فرایند در پی آن است که اسلام را فرهنگ زندگی و افراطی‌گری و تروریسم را فرهنگ مرگ معرفی کند. کتاب‌های جدید می‌آموزند که «چگونه یک مسلمان میانه‌رو باشیم، چگونه به دیگران احترام بگذاریم و در محیطی از ملیت‌ها و قومیت‌های گوناگون زندگی کنیم» (Pardo & Jacobi, 2019: 1, 2, 11).

ث) تلویزیون و سینما

برای رویارویی با اندیشه سلفی خشن نمی‌توان به اندیشمندان لیبرال تکیه کرد زیرا اندیشه آنها راهی به ذهن و اندیشه توده‌های باورمند به اسلام ندارد. در عوض، سینماگران با نقش‌آفرینی در ساخت روایتی تازه و مبتنی بر دین می‌توانند همیار حکومت در این رویارویی باشند (Birnbbaum, 2013). با وجود تلاش‌های «انجمن سلطنتی فیلم اردن»، سینمای اردن در مقایسه با سینمای مصر که پرچمدار سینمای عربی است، هنوز سینمای کوچک و محدودی به شمار می‌رود. با این وجود، همین سینمای کوچک برای رویارویی با اندیشه‌های سلفی خشن، تلاش‌هایی را به کار بست؛ این تلاش‌ها بیشتر در حوزه مستند متمرکز بودند. محمود المساد در سال ۲۰۰۹، فیلم مستندی با نام «إعادة خلق» ساخت که درباره فقر در زرقاء (یکی از مهم‌ترین خاستگاه‌های جریان سلفی خشن در اردن) سخن می‌گفت. در این فیلم مستند، زندگی مردی که در افغانستان جنگیده بود و اندیشه‌های افراطی داشت، به تصویر کشیده شد. همچنین عبدالسلام الحاج در سال ۲۰۱۲ فیلم مستندی با نام «مدینتی» ساخت که در آن با یک نگهبان موزه گفتگو می‌کرد. این نگهبان از چالش‌های روزانه‌اش با انسان‌هایی می‌گفت که تندیس‌های رومی و برهنه این موزه را نمی‌پسندیدند و حتی درخواست داشتند که این تندیس‌ها به جایی دور از دیدگان بازدیدکنندگان منتقل شود. محمد المجالی نیز در سال ۲۰۱۷ فیلمی به نام «وسط البلد» ساخت که درگیری یک افسر امنیتی در یک پرونده مربوط به جریان سلفی خشن را روایت می‌کرد (ناجح، ۲۰۱۹: ۵-۲).

«مستند» با ارائه روایتی دست اول از مسئله، لایه‌های حائل میان مخاطب و موضوع را از بین می‌برد، ولی محدود ماندن به این گونه نمایشی و کم توجهی به فیلم و سریال نقطه ضعف این بخش از راهبرد رویارویی نرم به شمار می‌رود. از سوی دیگر، در ساخت فیلم و سریال نیز معمولاً از آسان‌ترین پس‌زمینه، یعنی رویارویی‌های امنیتی و برخوردهای انتظامی با هسته‌های سلفی خشن، استفاده می‌شود. به این ترتیب، راهبرد رویارویی نرم به جای یورش به بنیان‌های اندیشه‌ای افراطی‌گری، تنها روایتگر برخوردهای امنیتی و قضایی شده است.

ج) انجمن‌های مدنی

به طور کلی، تسلط دستگاه‌های امنیتی بر پرونده جریان سلفی خشن عرصه را بر کنشگری انجمن‌های غیر حکومتی تنگ کرده و انجمن‌هایی که اجازه حضور در برنامه‌های اجرایی راهبرد رویارویی نرم را

می‌یابند، گاه کارگزار حکومت شناخته می‌شوند و روند بی‌اعتمادی مخاطبان ادامه می‌یابد. باشگاه‌های جوانان نمونه‌ای از انجمن‌های نزدیک به حکومت هستند که به سه دسته تقسیم می‌شوند: باشگاه‌هایی که وزارت جوانان برپا ساخته است، باشگاه‌هایی که با کمک دربار ساخته شده‌اند و باشگاه‌های مستقل. حکومت نقشی مهم برای این باشگاه‌ها در پیشگیری از افراطی‌گری قائل است و تا سال‌های پایانی دهه ۲۰۱۰ نزدیک به ۲۵ هزار جوان در قالب این باشگاه‌ها در برنامه ملی رویارویی با افراطی‌گری مشارکت کردند (مرکز القدس للدراسات السياسیه، ۲۰۱۷: ۶ و ۷).

البته بسیاری از انجمن‌های مدنی حکومت و برنامه حکومتی مبارزه با تروریسم را محدودکننده فعالیت‌های انجمن‌ها و مانعی در برابر تأمین حقوق بشر می‌دانند. در متمم قانون ضد تروریسم در سال ۲۰۱۴ «به هم زدن نظم عمومی» و «ارتباط با دولت‌های خارجی» نیز ذیل این قانون قرار گرفتند. این متمم به گمان بسیاری از کنشگران اردنی به مانعی بزرگ در برابر آزادی‌های اجتماعی تبدیل شد (Amman Center for Human Rights Studies, 2019: 13).

آسیب‌شناسی برنامه اردن

۱- نزدیک به دو سوم اردنی‌ها تلاش‌های حکومت برای برچیدن اندیشه‌های افراطی را مؤثر می‌دانند، اما بخش دیگر نیز که بیش از یک سوم اردنی‌ها را تشکیل می‌دهند و حکومت را در این رویارویی کامیاب نمی‌دانند، قابل توجه هستند (Braizat et al, 2017: 8). بی‌اعتمادی جامعه به حکومت و شیوه‌های حکمرانی، یکی از مهم‌ترین چالش‌های حکومت اردن در همه حوزه‌ها و البته در رویارویی نرم با سلفی‌گری خشن است.

۲- شماری از پژوهشگران بر این باور هستند که تلاش‌های حکومت اردن برای رویارویی نرم با جریان سلفی خشن دستاورد ویژه‌ای نداشته است زیرا اصلاً این پیام‌ها به کسانی که باید گیرنده اصلی آن باشند، یعنی هواداران و اعضای جریان سلفی خشن، نرسیده است (El-Said, 2012: 24). برنامه‌های رویارویی با افراطی‌گری بیشتر در شهرها، به‌ویژه در عَمَّان، متمرکز است و گستره آن به روستاها نمی‌رسد؛ به این ترتیب، چون بسیاری از نیروهای این جریان از شهرهای کوچک‌تر و روستاها جذب می‌شوند، این برنامه‌ها مخاطبان اصلی خود را نمی‌یابد (UN Women Jordan, 2016: 25). پس شهرمحوری و بی‌توجهی به روستاها و مناطق حاشیه شهرها که خاستگاه مهم نیروهای سلفی خشن به شمار می‌روند، کاستی دیگر راهبرد رویارویی نرم اردن با این جریان است.

۳- یکی دیگر از انتقادهای مهم به برنامه مبارزه با تروریسم اردن این است که دستگاه امنیتی بر این برنامه تسلط دارد و جایی برای انجمن‌های مدنی نمانده است (Abu Dalhoum et al, 2020: 9). تلاش‌های حکومت اردن برای رویارویی با افراطی‌گری نیز بیشتر امنیتی بوده و کمتر به جلوگیری از افراطی‌گری توجه شده است (أبورمان و أبوهنیة، ۲۰۱۲: ۳۵۸). همچنین، امنیتی شدن برنامه‌ها پنهانی بودن را نیز در پی خود می‌آورد. این پنهانی بودن باعث می‌شود بازگشتگان جریان سلفی خشن دچار شرم اجتماعی شوند و بازیابی آنها در جامعه دشوار گردد. از سوی دیگر، پنهانی بودن برنامه‌ها گاه باعث عدم همراهی اجتماع‌های محلی با این برنامه‌ها نیز می‌شود.

۴- بازگشتگان جریان سلفی خشن بازیابی دشواری در جامعه دارند. روابط آنها به خانواده محدود است و دوستان نیز در آغاز دوباره رابطه با آنها تردید دارند. در سفرهای میان شهری و در گذر از ایست بازرسی‌ها، بررسی‌های سختی از این افراد می‌شود و به همین علت، دوستان از سفر با آنها پرهیز می‌کنند. همچنین بازگشتگان نمی‌توانند در بخش دولتی به کار گرفته شوند و همچنین در بسیاری از موارد نمی‌توانند گواهی عدم سوءپیشینه را دریافت کنند (Bondokji & Harper, 2017: 14-16). از آنجایی که بازگرداندن نیروهای افراطی به دامن جامعه یکی از اهداف اصلی راهبرد رویارویی نرم است، پس این مسئله ناکامی نسبی این برنامه در اردن را نشان می‌دهد. افراد وابسته به جریان سلفی خشن حتی اگر به راستی از این جریان جدا شوند، در صورت دور ماندن از اجتماع و برقرار نکردن پیوندهای اجتماعی طعمه بالقوه جریان‌های افراطی در آینده خواهند بود.

۵- قانون ضد تروریسم اردن در سال ۲۰۰۵ تصویب و در سال ۲۰۰۶ اجرایی شد، اما مفهوم تروریسم در متمم سال ۲۰۱۴ گسترش یافت و فعالیت در فضای مجازی را نیز در بر گرفت (Mahasneh, 2017: 24, 7). در متمم قانون ضد تروریسم سال ۲۰۱۴، جذب نیرو برای سازمان‌های تروریستی، بنیان‌گذاری سازمان‌های خیریه که به سازمان‌های تروریستی کمک می‌کنند و فعالیت در فضای مجازی در هواداری از سازمان‌های تروریستی نیز ذیل مفهوم تروریسم آمدند (Amman Center for Human Rights, 2019: 14). در این متمم، مجازات بزهکاری تروریستی از ۱۰ سال زندان تا اعدام تعیین شد (WANA Institute, 2018: 41). بسیاری از پژوهشگران باور دارند که این متمم آزادی‌های اجتماعی را کم‌رنگ و عرصه کنشگری انجمن‌های مدنی را محدود کرده است. نگرانی جدی فعالان غیر حکومتی اردن این است که گسترش دامنه برخوردهای سخت، هواداران جریان سلفی خشن را به شکل فزاینده‌ای به سوی کنش‌های خشونت‌آمیز سوق دهد.

۶- فساد حکومتی یکی از مهم‌ترین محرک‌های افراطی‌گری در اردن است (Bondokji et al, 2017: 2). اما بر پایه آمارها و نظرسنجی‌های گوناگون، فساد هنوز هم یکی از مهم‌ترین مشکل‌های ادراک شده از سوی مردم اردن است و عزمی برای برطرف کردن این مشکل در اردن وجود ندارد. برنامه خصوصی‌سازی که از دهه ۱۹۹۰ در اردن آغاز شد و رسماً تا سال‌های میانی دهه ۲۰۰۰ ادامه یافت، یکی از مهم‌ترین عناصر در شکل‌گیری ادراک عمومی مردم اردن درباره فساد بوده است.

۷- یکی دیگر از کاستی‌های برنامه اردن در حوزه سینما است. شماری از پژوهشگران جنگ جهانی چهارم را جنگ سینمایی با تروریسم می‌دانند (عزمی، ۲۰۱۹: ۲۳). سینمای اردن کوچک است و تولیدات سالانه پرشماری ندارد، ولی برای تأثیر بیشتر برنامه‌های رویارویی، باید نقش‌آفرینی پررنگ‌تری را بر عهده بگیرد. الگوی اردن در این حوزه می‌تواند سینمای مغرب عربی و ویژه مصر باشد. سینمای مصر پرچمدار سینمای جهان عرب است و از دهه ۱۹۳۰ میلادی یکی از بزرگ‌ترین سینماهای جهان به شمار می‌رود. حکومت مصر از گذشته دریافته که نمی‌تواند برای رویارویی با اندیشه سلفی خشن به اندیشمندان لیبرال تکیه کند زیرا اندیشه آنها راهی به ذهن و اندیشه توده مصری ندارد، در عوض سینماگران مصری هستند که همیار حکومت در این رویارویی بوده‌اند. در شماری از فیلم‌های مصری، در برابر ضد الگوی سلفی خشن و افراطی، الگوهای ملی‌گرا شناسانده می‌شوند، این به معنی ارائه «روایت نو» به جای «ضد روایت» است (Birnbbaum, 2013: 1-4). همه تجربه عربی سینمای تروریسم را می‌شود در سه دسته معرفی کرد: ۱- دسته‌ای که می‌کوشد با هجو جریان‌های سلفی خشن و عقب افتاده دانستن آنها، به رویارویی آنها برود. ۲- دسته‌ای که به جای توجه به ظاهر پدیده، به عمق و ریشه‌های افراطی‌گری و تندروی نگاهی می‌افکند. ۳- دسته‌ای که می‌کوشد به افراد و جریان‌های سلفی خشن نزدیک شود و پرسش‌هایی را درباره آنها برانگیزد (عزمی، ۲۰۱۹: ۳۱). به نظر می‌رسد دسته دوم و سوم ابزار مناسبی برای رویارویی با سلفی‌گری خشن باشند که البته سینمای اردن تا اکنون توجه چندانی به این جنبه از روایت نمایشی نداشته است.

جمع‌بندی

در بخش پیشین مقاله روشن شد که راهبرد رویارویی اردن با سلفی‌گری خشن را می‌توان در سه حوزه «تبلیغ اسلام معتدل از طریق ترویج دین رسمی حکومتی»، «بازپروری در زندان» و «ساخت ضد روایت رسانه‌ای و هنری» خلاصه کرد. تبلیغ اسلام معتدل با همراهی علمای نزدیک به حکومت پیش می‌رود، حکومت نیز با پیشبرد طرح‌هایی مانند «گفتگوی میان‌دینی»، این روند را تقویت کرده است. دین رسمی

حکومت هاشمی که مبتنی بر باورهای صوفی اشعری است، با تکیه بر تسامح، تساهل، سیاست‌گریزی و خشونت‌ستیزی می‌کوشد سبک زندگی مذهبی تازه‌ای را در برابر روایت‌های سلفی خشن ارائه کند. برنامه‌های بازپروری در زندان محرمانه است، اما آنچه که از این برنامه‌ها آشکار شده، برگزاری دوره‌های آموزش دینی و روان‌درمانی برای بازگشتگان جریان سلفی خشن است. زندان تنها دوره‌ای است که نیروهای وابسته به جریان سلفی خشن در معرض مستقیم برنامه‌های رویارویی نرم قرار می‌گیرند، ولی موضع سخت این افراد در برابر علمای حکومتی و همچنین تأثیر منفی برخوردهای سخت نیروهای انتظامی در زندان دو مانع بزرگ در برابر نتیجه‌دهی برنامه‌های رویارویی تلقی می‌شوند.

رسانه‌های اردنی کوشیده‌اند با «ضد اخلاقی، ضد دینی و خشن» معرفی کردن اندیشه سلفی‌گری خشن، گرایش‌ها را به سوی این جریان کم کنند. این سبک از رویارویی که با خلق «ضد روایت» انجام می‌شود، ممکن است با پررنگ کردن دوقطبی‌ها و ایجاد وضعیت خیر و شر، به افزایش افراطی‌گری منجر شود و نتیجه وارونه دهد. پس آفرینش «روایت نو» ضرورت می‌یابد که به جای تمرکز بر تخطئه اندیشه سلفی خشن، چشم‌اندازی نو برای زندگی مبتنی بر دین ارائه می‌کند. به نظر می‌رسد راهبرد رویارویی نرم در اردن بیشتر در شکل ضد روایت مانده و کمتر به خلق روایت نو پرداخته است. افزون بر این، تلاش‌هایی نیز در حوزه‌های سینما و انجمن‌های مدنی شده که کامیابی چندانی نداشته است. بی‌توجهی به سینمای قصه‌گو در چارچوب فیلم و سریال که به ریشه‌های اندیشه‌ی افراطی پردازد، آن را نقد کند و سبکی تازه از زندگی مبتنی بر دین ارائه کند، مهم‌ترین کاستی راهبرد رویارویی نرم اردن در حوزه هنرهای نمایشی است. از سوی دیگر، انجمن‌های مدنی نیز به علت سیطره دستگاه‌های امنیتی بر پرونده فرصت چندانی برای نقش‌آفرینی ندارند، همچنین مسئله اعتماد مخاطبان چالش بزرگی بر سر راه این انجمن‌ها برای کنشگری در این عرصه است.

در پایان برای ارزیابی راهبرد رویارویی نرم اردن با سلفی‌گری خشن، کاستی‌های این برنامه را می‌توان در هفت عنوان «بی‌اعتمادی جامعه به حکومت و شیوه‌های حکمرانی»، «پایتخت‌محوری و شهرمحوری برنامه‌ها و نرسیدن پیام برنامه‌ها به مخاطبان اصلی در روستاها و حاشیه شهرها»، «تسلط دستگاه امنیتی بر برنامه‌ها و نقش‌آفرینی اندک انجمن‌های غیر حکومتی»، «دشواری بازیابی بازگشتگان جریان سلفی خشن با سختگیری‌های حکومتی»، «محدودیت آزادی‌های اجتماعی و کاهش گسترده کنشگری انجمن‌های مدنی پس از اجرای متمم سال ۲۰۱۴ قانون ضد تروریسم»، «برجا ماندن نابسامانی‌های وضع موجود، مانند فقر و فساد» و «کاستی‌ها در حوزه سینما» مطرح کرد.

- 1- Abu Dalhoum, Mohammed et al. (2020). Deradicalization of Returnees to Jordan and Morocco: Limitations, Strengths, and Lessons for the Region. The US, Washington D.C., The George Washington University, The Elliot School of International Affairs, Institute for Middle East Studies.
- 2- Abu Rumman, Mohammad & Hassan Abu Hanieh. (2010). Jordanian Salafism: A Strategy for the "Islamization of Society" and an Ambiguous Relationship with the State. Jordan, Amman, Friedrich-Ebert-Stiftung.
- 3- Abu Rumman, Muhammad Suliman et al. (2016). Methods of Preventing and Combatting Terrorism in the MENA Region and in the West (Banan Malkawi & Samira Kwar, Trans.). Jordan, Amman, Fes Jordan & Iraq.
- 4- Amman Center for Human Rights Studies. (2019). The negative effects of terrorism on the enjoyment of human rights and fundamental freedoms: The case of Jordan. Jordan, Amman.
- 5- Bannister, Sawyer. (2022). A Human Security Approach for Successfully Preventing Extremism in a Patriarchal Society: The Case of Jordan. The US, Claremont, The Keck Center for International and Strategic Studies.
- 6- Birnbaum, Sariel. (2013). Egyptian Cinema as a Tool in the Struggle Against Islamic Terrorism. *Terrorism and Political Violence*, 25(4), 635-639.
- 7- Bondokji, Neven & Barik Mhadeen. (2019). Theory of Change: Towards More Effective Human Security Approaches in the Context of the Emerging Threat of Violent Radicalization in Jordan, Lebanon, and Tunisia. Jordan, Amman, WANA Institute.
- 8- Bondokji, Neven & Barik Mhadeen. (2019). White Paper: Towards More Effective Human Security Approaches in the Context of the Emerging Threat of Violent Radicalisation in Jordan, Lebanon, and Tunisia. Jordan, Amman, WANA Institute.
- 9- Bondokji, Neven & Erica Harper. (2017). Journey Mapping of Selected Jordanian Foreign Fighters. Jordan, Amman, WANA Institute.
- 10- Bondokji, Neven; Kim Wilkinson & Leen Aghabi. (2017). Trapped Between Destructive Choices: Radicalisation Drivers Affecting Youth in Jordan. Jordan, Amman, WANA Institute.
- 11- Bondokji, Neven et al. (2017). Charter on Preventing and Countering Violent Extremism. Jordan, Amman.
- 12- Braizat, Fares et al. (2017). Determining Youth Radicalization in Jordan. International Center for the Study of Violent Extremism.
- 13- Center for Insights in Survey Research. (2018). Violent Extremism in Jordan: Local Governance, Tribal Dynamics and Forced Migration. Jordan, Amman.
- 14- El-Said, Hamed. (2012). De-Radicalizing Islamists: Programs and their Impact in Muslim Majority States. England, London, The International Centre for the Study of Radicalization and Political Violence.
- 15- Elsayed, Lilah; Talal Faris & Sara Zeiger. (2017). Undermining Violent Extremist Narratives in the Middle East and North Africa: A How-To Guide. UAE, Abu Dhabi, Hedayah.
- 16- Harper, Erica. (2017). Examining Psychological Drivers of Radicalization in Jordan. Jordan, Amman, WANA Institute.
- 17- Harper, Erica. (2018). Reconceptualizing the Drivers of Violent Extremism: An Agenda for Child & Youth Resilience. Jordan, Amman, WANA Institute.

- 18- Hedayah. (2013). The Role of Education in Countering Violent Extremism. UAE, Abu Dhabi.
- 19- Hedayah. (2014). The Roles of Families and Communities in Strengthening Community Resilience Against Violent Extremism. UAE, Abu Dhabi.
- 20- Hedayah. (2015). Thinking Outside the Box: Exploring the Critical Roles of Sports, Arts, and Culture in Preventing Violent Extremism. UAE, Abu Dhabi.
- 21- International Peace Institute. (2010). A New Approach? Deradicalization Programs and Counterterrorism. The US, New York.
- 22- Klingensmith, Anna Fraher. (2019). The Role of Local Communities in Preventing and Countering Violent Extremism (P/CVE) in Jordan. Independent Study Project (ISP) Collection, 3153.
- 23- Kofi Annan Foundation. (2016). Countering Violent Extremism: A Guide for Young People by Young People. Switzerland, Geneva.
- 24- Kruglanski, Arie; Jocelyn Belanger & Rohan Gunaratna. (2019). The Three Pillars of Radicalization: Needs, Narratives, and Networks. The US, New York, Oxford University Press.
- 25- Leigh Cash, Gabriel. (2018). A Comparative Analysis of Jordanian and United States Counterterrorism. The US, Boone, Appalachian State University.
- 26- Mahasneh, Rula. (2017). The Experience of Jordan in drafting a national action plan on UNSCR 1325 Women, peace and security in countering terrorism. Italy, Pavia, Institute of Advance Studies of Pavia.
- 27- Maher, Shiraz. (2016). Salafi-Jihadism; The History of an Idea. The US, New York, Oxford University Press.
- 28- Mhadeen, Barik. (2018). Fact Sheet: Counter-Narrative in Preventing/Countering Violent Extremism(P/CVE). Jordan, Amman, WANA Institute.
- 29- Milton-Edwards, Beverley. (2017). Grappling with Islamism: Assessing Jordan's Evolving Approach. Qatar, Doha, Brookings Doha Center.
- 30- More Europe. (2017). The role of culture in preventing and reducing violent extremism. Belgium, Brussels.
- 31- Nunez Ledesma, Juan. (2016). Laughing It Off: The Role of Comedy and Humor in Combating Extremist Ideals in Jordan. Independent Study Project (ISP) Collection, 2374.
- 32- Osborne, Alethea. (2017). Fact Sheet: Women and Countering Violent Extremism (CVE). Jordan, Amman, WANA Institute.
- 33- Pardo, Eldad & Maya Jacobi. (2019). Jordan's New Curriculum; The Challenge of Radicalism. Occupied Palestine, Ramat Gan, IMPACT-se.
- 34- Penal Reform International. (2015). Preventing Radicalization in Prisons: Developing a Coordinated and Effective Approach. UK, London.
- 35- Sayegh, Nadine; Barik Mhadeen & Neven Bondokji. (2017). From Blades to Brains: A New Battleground. Jordan, Amman, WANA Institute.
- 36- Silva Sanchez, Victoria. (2018). Lights and shadows of Jordan's counterterrorism strategy? Spain, Madrid, Instituto Espanol de Studios Estrategioos.
- 37- Sowell, Kirk. (2017). Downplaying Jihad in Jordan's Educational Curriculum, 2013-2017. *Perspectives on Terrorism*, 11(6), 153-165.
- 38- Speckhard, Anne & Ardian Shajkovci. (2018). Fighting ISIS in the Digital Space in Jordan. International Center for the Study of Violent Extremism.
- 39- Speckhard, Anne & Ardian Shajkovci. (2018). Prison – Militant Jihadist Recruiting Grounds or Refuge for Rehabilitation? UK, London, International Center for the Study of Violent Extremism.

- 40- Stockmoe, James. (2006). Culture and Theology in the War against the Salafist-Jihadiyyah Islamist Transnational Terrorist Threat - US Strategy Implications. The US, Newport, US Naval War College.
- 41- Thabet, Fadia. (2019). Towards Preventing Violent Extremism: Challenging Extremist Recruitment Narratives Through Youth-To-Youth Oral Storytelling in Iraq. Capstone Collection, 3181.
- 42- UN Women Jordan. (2016). Women and Violent Radicalization in Jordan. Jordan, Amman.
- 43- United Nations Development Program. (2016). Preventing Violent Extremism Through Promoting Inclusive Development, Tolerance and Respect for Diversity: A Development Response to Addressing Radicalization and Violent Extremism. The US, New York.
- 44- Vidino, Lorenzo. (2018). De-Radicalization in the Mediterranean, Comparing Challenges and Approaches. Italy, Milano, ISPI.
- 45- Wagemakers, Joas. (2008). Abu Muhammad al-Maqdisi: A Counter-Terrorism Asset?. *CTC Sentinel*, 1(6).
- 46- Wagemakers, Joas. (2009). A Purist Jihadi-Salafi: The Ideology of Abu Muhammad al-Maqdisi. *British Journal of Middle Eastern Studies*, 36(2), 281-297.
- 47- Wagemakers, Joas. (2014). A Terrorist Organization that Never Was: The Jordanian "Bay'at al-Imam" Group. *Middle East Journal*, 68(1), 59-75.
- 48- Wagemakers, Joas. (2020). Sectarianism in the Service of Salafism: Shiites as a Political Tool for Jordanian Salafis. *British Journal of Middle Eastern Studies*, DOI:10.1080/13530194.2020.1805298
- 49- WANA Institute. (2018). A Region in Motion: Reflections from West Asia-North Africa. Jordan, Amman.
- 50- Weinberg, David Andrew. (2021). Peace and Tolerance Education in the Arab World Two Decades After 9/11. England, London, Tony Blair Institute for Global Change.
- 51- Yom, Sean and Katrina Sammour. (2017). Counterterrorism and Youth Radicalization in Jordan: Social and Political Dimensions. *CTC Sentinel*, 10(4), 25-30.
- ۵۲- أبورمان، محمد، و حسن أبوهنية (۲۰۱۲). «الحل الإسلامي» في الاردن؛ الإسلاميون و الدولة و رهانات الديمقراطية و الأمن. الاردن، عمان، مؤسسة فريدريش إيبيرت و مركز الدراسات الإستراتيجية الجامعة الاردنية.
- ۵۳- إشيوكه، محمد (۲۰۱۹، نوفمبر). صورة الإرهابي: من الواقع إلى الشاشة. ذوات، ۵۵، ۱۲-۲۱.
- ۵۴- حجازي، اكرم (۲۰۱۳). دراسات في السلفية الجهادية. مصر، قاهره، مدارات للأبحاث و النشر.
- ۵۵- حسن، ناجح (۲۰۱۹، نوفمبر). الإرهاب في مرآة السينما الاردنية: أساليب متباينة في الإشتغال على تحولات الواقع و المتن الدرامي. ذوات، ۵۵، ۶۲-۵۶.
- ۵۶- شحادة، مروان (۲۰۱۸). فاعلية «الشبكات الإجتماعية» و الخلايا النائمة «السلفية» في الاردن. الاردن، عمان، مؤسسة فريدريش إيبيرت.
- ۵۷- عبيدات، ذوقان (۲۰۱۷). المواطن و الهوية و حقوق الإنسان في الكتب المدرسية الاردنية. اردن، عمان، مركز القدس للدراسات السياسية.
- ۵۸- عزمي، سمير (۲۰۱۹، نوفمبر). صورة الإرهابي في السينما العربية. ذوات، ۵۵، ۲۲-۳۱.
- ۵۹- على عواد الحراحشة، محمود (۲۰۲۰). جلاله الملك عبدالله الثاني و دوره في محاربة التطرف و الإرهاب: دراسة في الأوراق النقاشية و رسالة عمان. الاردن، عمان، المكتبة الوطنية.

۶۰- مرکز القدس للدراسات السياسية (۲۰۱۷). تقرير حول مؤتمر «شباب الاردن، مواطنون فاعلون في مسيرة الإصلاح و محاربة التطرف». الاردن، عمان.

۶۱- هزاع المجالي، حسين و محمد أبو رمان (۲۰۱۶). دروس من الحدث: في مكافحة الإرهاب و التطرف. الاردن، عمان، مركز الدراسات الإستراتيجية الجامعة الأردنية.

منابع اینترنتی

- 1- Journal of International Affairs (Jun 6, 2016). A National Strategic Framework for Countering Violent Extremism in Jordan. Retrieved Jan 10, 2021, from: <https://jia.sipa.columbia.edu/national-strategic-framework-countering-violent-extremism-jordan>
- 2- Middle East Institute (March 21, 2016). Jordan and the Challenge of Salafi Jihadists. Retrieved January 13, 2021, from: <https://www.mei.edu/publications/jordan-and-challenge-salafi-jihadists>
- 3- The Cradle (June 5, 2023). Docs Reveal How British Intelligence Controls Jordan's Media. Retrieved February 29, 2024, from: <https://thecradle.co/articles/docs-reveal-how-british-intelligence-controls-jordans-media>
- 4- The Washington Institute for Near East Policy (August 10, 2018). Assessing Jordan's National Strategy to Combat Violent Extremism. Retrieved January 16, 2021, from: <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/assessing-jordans-national-strategy-combat-violent-extremism>
- ۵- صندوق الملك عبدالله الثاني للتنمية (بی.تا.). مشروع محاربة الفكر المتطرف. برگرفته در ۱۴ كانون الثاني، ۲۰۲۱، از: <https://www.kafd.jo/en/program/counter-extremism-thoughts-project>
- ۶- مرکز الجزيرة للدراسات (۱۹ سپتامبر، ۲۰۱۰). التحولات التي أحدثها تنظيم القاعدة في الخطاب السلفي. برگرفته در ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۳، از: <https://studies.aljazeera.net/ar/files/2010/201172119234862286>
- ۷- مرکز الدراسات الإستراتيجية الجامعة الأردنية (كانون الثاني ۲۴، ۲۰۱۷). مستقبل الظاهرة السلفية في الاردن: صعود الراديكالية وتفكك التقليدية. برگرفته در ۱۶ كانون الثاني ۲۰۲۱، از: <http://jcass.org/ShowNewsAr.aspx?NewsId=514>